

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امربه معروف

ونہی از منکر

دوره ہفتم، شماره ہفدہم

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳

نام جزوه: امر به معروف و نهی از منکر
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

۷.....	معروف و منکر در قرآن
۱۶.....	هدف از امر به معروف و نهی از منکر
۱۷.....	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۲۹.....	مراتب امر به معروف و نهی از منکر

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۵

در دانش فقه اسلامی؛ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو فرع مهم از فروع اسلام مورد بحث و گفتگوی فقهای بزرگ و کتاب های فقهی قرار گرفته است. از آن جا که این هر دو موضوع از نهادهای مهم اجتماعی اسلام است، تکیه بر جنبه های اجتماعی آن ضروری می نماید و ما نیز در این مقاله بیشتر بر همین جنبه ی آن تکیه کرده ایم.

مفهوم لغوی

«معروف» کاری است که خوب بودنش از جهت عقل و اسلام پذیرفته شده باشد و «منکر» آن است که

۶ / امر به معروف و نهی از منکر

در نظر عقل و دین؛ ناپسند و زشت به شمار
آید.^۱

شناخت کار خردمندان و نیکو و نیز کردار
ناپسند، و به جای آوردن آن یک و دوری گزیدن از
این دیگری، محیطی سالم به وجود می آورد که در
آن می توان به تربیت راستین دینی و رشد واقعی
رسید.

در یک جامعه ی اسلامی مردم با کارهای نیکو
یعنی با «معروف»ها مأنوس و آشنایند ولی اگر
«منکر»ی رخ دهد، مورد شگفتی عموم واقع می شود
چرا که خلاف عقل و دین است و مردم از آن
روگردان و بدان نامأنوسند، هم از این روست که در

۱ . مفردات، ذیل معروف و منکر.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۷

قرآن کریم در مواردی بسیار بر معروف و منکر تکیه شده و جنبه های اجتماعی آن گوشزد گردیده است.

معروف و منکر در قرآن

در قرآن نسبت به وجوب و لزوم و اهمیّت این وظیفه ی اجتماعی اسلامی، و ترغیب در انجام معروف و نهی از انجام دیگری، منکر آیات بسیاری آمده است؛ ما در این جا تنها به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - آل عمران، آیه ی ۱۰۴: باید از شما گروهی وجود داشته باشند که مردم را به نیکویی و خیر فراخوانند و به معروف امر کنند و از منکر باز دارند و آنان رستگارانند.

۸ / امر به معروف و نهی از منکر

۲ - مائده، آیه ی ۶۳: چرا دانشمندان و عالمان دین آنان (مردم) را از سخنان گناه آلود و خوردن مال های نامشروع باز نمی دارند، چه زشت است کاری که می کنند.

۳ - توبه، آیه ی ۷۱: مردان و زنان مؤمن، دوستان و هواداران یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند و زکوة می دهند و از خدا و پیامبر فرمانبرداری می کنند، خداوند آنان را رحمت خواهد فرمود، که خدا عزیز و حکیم است.

۴ - لقمان، آیه ی ۱۷: «پسرم^۱، نماز را بپادار، به معروف امر و از منکر نهی کن».

۱ . لقمان به فرزند پند می دهد.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۹

۵ - اعراف: آیه ی ۱۵۷: آنان که از پیامبر امّی^۱

(که نامش در تورات و انجیل آمده است)، پیروی می‌کنند، (پیامبری) که آنان را به معروف امر می‌کند و از منکر باز می‌دارد.

۶ - حج، آیه های ۴۱ و ۴۰: خداوند کسانی را

که یاور او باشند، یاری خواهد کرد، چرا که توانا و عزیز است. همان کسانی که اگر در زمین مستقرشان سازیم، نماز را برپا خواهند داشت و زکوة خواهند داد و به معروف امر و از منکر نهی خواهند کرد: و سرانجام همه ی کارها برای خداست.

آن چه از آیه های ذکر شده و نیز آیه های

دیگر درمی‌یابیم آنست که: به حکم قرآن: امر به

۱۰ / امر به معروف و نهی از منکر

معروف و نهی از منکر، از صورت یک مسأله‌ی اخلاقی صرف خارج می‌شود و به صورت نهادی اجتماعی و واجب، در درگیری و مبارزه علیه عوامل مفسد و ستمگر جامعه و متجاهرین و تظاهر کنندگان به گناه، در می‌آید، و بدین گونه می‌بینیم که اگر ملت مسلمان ما، علیه ستم‌ها و خون‌خواری‌های رژیم مطرود پهلوی و بیگانه، فریاد اعتراض برداشتند، در حقیقت فریاد اعتراض وی دست کم همان نهی و بازداشت و مقابله علیه منکر و ستم و ظلم بوده است. از همین رو می‌توان گفت که پابندی و بالندگی احکام اسلامی، درگرو امر به معروف و نهی از منکر است و با اجرای قاطع و کامل این دوشاخه‌ی بزرگ از فروع اسلام، می‌توان بدعت‌ها را نابود و

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۱۱

سنت پیامبر عزیز را زنده کرد و محیطی سالم پدید آورد، بی تردید پایدار کردن احکام و فرائض اسلام و منطبق ساختن جامعه با خواسته های قرآن، وابستگی مستقیم به این دو فرع مهم دارد، و سستی و تعلل در این مسوولیت خطیر، موجب از دست رفتن مصالح مهم و بروز مفسد و تباهی های بزرگ می گردد.

حضرت امام باقر(علیه السلام) می فرمایند:

«امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و

شیوهی صالحان است؛ فریضه‌ی بزرگی است که با آن فریضه‌های دیگر به پا داشته و راه‌ها امن و کسب و کار حلال می گردد، آنچه به ستم ستانده شده به صاحبان

۱۲ / امر به معروف و نهی از منکر

آن بازگردانده می‌شود، زمین‌ها آباد، از دشمنان انتقام گرفته و امور پابرجا می‌شود»^۱.

رسول مکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده‌اند: اَمّت من مادام که امر به معروف و نهی از منکر و یکدیگر را بر نیکی یاری دهند، در خیر به سر خواهند برد، و چون چنین نکنند، برکت‌ها از آنان برداشته می‌شود و برخی بر برخی دیگر تسلط می‌یابند و برای آنان نه یآوری زمینی و نه آسمانی خواهد بود.^۲

دختر گرامی پیامبر اسلام حضرت فاطمه (علیها السلام) با توجه کامل به برد اجتماعی فرع

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۴، ح ۶.

۲. وسائل، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۱۳

امربه معروف می‌فرمایند: «خداوند، امر به معروف را به منظور مصلحت جامعه واجب فرموده است»^۱.

نظام عادلانه‌ی اجتماعی که اسلام آن را تشریح کرده و مردم را به سوی آن فرامی‌خواند، ضمانت اجرا و ضمانت بقایی می‌طلبد که اسلام این ضمانت را بر اساس دو نهاد مهم اجتماعی یعنی همان امر به معروف و نهی از منکر، نهاده است.

این دو وظیفه، نخست به گونه‌ی مسالمت‌آمیز و در هیأتی برادرانه و انتقاد دوستانه، در برابر بروز جوانه‌های تلخ گناه و پیدایش کج روی‌های نوپا صورت می‌گیرد و سپس در موارد مهم و پای‌گیر از

۱. شرح خطبه‌ی حضرت فاطمه (علیها السلام)، ص ۳۰۱.

۱۴ / امر به معروف و نهی از منکر

قبیل ستم و امثال آن، در دفع یا رفع آن، نیروی بیشتری به کار برده می‌شود.

چنین نیست که این وظیفه تنها بر کسانی که خود به هر معروف عمل و یا از هر منکر پرهیز می‌کنند، واجب باشد، بلکه آن کس هم که برخی از معروف‌ها را به‌جا نمی‌آورد و یا مرتکب برخی از منکرات می‌شود، باید به معروف امر و از منکر، نهی کند، زیرا این‌یک وظیفه‌ی دینی است که بنابر حکم شرع و عقل واجب است و هر کس خواه عامل به معروف و تارک منکر باشد یا نباشد، باید به این وظیفه اسلامی عمل کند.

شخصی به رسول الله (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: ما به معروف امر نمی‌کنیم تا همه‌ی

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۱۵

معروف‌ها را به‌جا آوریم، و نهی از منکر نمی‌کنیم تا از همه بازایستیم، حضرت در پاسخ فرمود: به معروف امر کنید اگرچه همه را به‌جا نمی‌آورید و از منکر نهی کنید گرچه همه را ترک نمی‌کنید^۱.

شخصی که معروف را ترک و منکر را به‌جا می‌آورد، اگر امر به معروف و نهی از منکر را هم ترک کند دو گونه گناه مرتکب شده و سزاوار است که دو بار تنبیه شود، یکی برای ترک معروف یا انجام منکر، و دیگری برای ترک امر به معروف و نهی از منکر، که اگر دست‌کم این وظیفه‌ی دوّم را انجام می‌داد از این نظر گناه نکرده و مستحق تنبیه نمی‌بود.

۱۶ / امر به معروف و نهی از منکر

البته تأثیر کلام شخصی که به حکم خدا پای بند است، و از گناه می‌پرهیزد به مراتب بیشتر از کسی است که خود مرتکب گناه می‌شود، زیرا همین که مردم تضاد بین گفتار و عمل شخصی را ملاحظه کردند به گفتار او اهمیت چندانی نمی‌دهند و نتیجه‌ی مطلوب گرفته نمی‌شود.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر

اسلام، با بینش وسیع خود می‌بیند که هر حادثه‌ی بدی که رخ دهد در جامعه تأثیر می‌گذارد، لذا مردم را در برابر گناهان مسؤول می‌داند تا از توسعه‌ی آنها جلوگیری کنند، زیرا تظاهر به گناه هم چون عمل کسی است که در کشتی نشسته، و می‌خواهد

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۱۷

سوراخی در کابین خود ایجاد کند، که اگر از آن
جلوگیری نشود.

سرانجام جان دیگران نیز به خطر می‌افتد. در
این صورت، مردم همه به پا می‌خیزند و او را از آن
کار بازمی‌دارند. گناه، و ترک واجب هم، در اجتماع
چنین حکمی دارد.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

گفتیم امر به معروف و نهی از منکر واجب است، و
مسلمانان باید به این وظیفه‌ی اسلامی بسیار اهمیت
بدهند و بدانند ترک آن موجب مجازات است. پس
باید شرایط انجام آن بازشناخته گردد تا هر کس
تکلیف خود را به‌طور قطعی بداند، بنابر آن چه
مشهور علماء اسلام فرموده‌اند: در صورتی که این

۱۸ / امر به معروف و نهی از منکر

چهار شرط موجود باشد باید امر به معروف و نهی از منکر کرد:

۱ - باید معروف و منکر شناخته شده باشد.

۲ - احتمال داده شود که امر و نهی اثر و

نتیجه‌ای دارد.

۳ - گناه کار بر گناه سماجت و اصرار داشته

باشد.

۴ - امر و نهی ضرر و مفسده نداشته باشد.

اگر این چهار شرط موجود باشد، امر به معروف

و نهی از منکر به جا و به هنگام است و گرنه امری

است بی هنگام و مفسده خیز.

و اکنون توضیحاتی درباره‌ی این چهار شرط:

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۱۹

درباره‌ی شرط اوّل: علماء اسلام فرموده‌اند کسی که معروف و منکر را نمی‌شناسد، موظّف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی بعضی از علماء فرموده‌اند که شخص جاهل اگرچه خود مصون باشد، لازم است برای امر به معروف و نهی از منکر، تحصیل علم کند و معروف را از منکر بازشناسد و این را در اصطلاح، شرط واجب می‌گویند یعنی شخص نمی‌تواند به عذر این که معروف و منکر را نمی‌شناسد خود را از انجام این وظیفه‌ی بزرگ تبرئه کند. ولی البته تا هنگامی که معروف و منکر را نشناخته است، حق ندارد چنین کاری بکند، زیرا که ممکن است در اثر جهل و نادانی؛ به منکر امر کند، و از معروف جلوگیری نماید.

۲۰ / امر به معروف و نهی از منکر

درباره‌ی شرط دوّم: گفتیم دوّمین شرط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است، در اینجا نکاتی را یادآور می‌شویم:

بسیار دیده شده است که به عذر نداشتن تأثیر، این وظیفه‌ی خطیر و جامعه‌ساز اسلامی ترک می‌شود در صورتی که باید متوجّه این نکته بود که «احتمال تأثیر» چندگونه است:

۱ - اگر احتمال می‌دهد که امر و نهی او در شخص مخاطب تأثیر دارد و در نتیجه معروف را به‌جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند: در این صورت امر و نهی بر شخص مکلف واجب است.

۲ - اگر با یکبار امر و نهی نمی‌توان به چنین تأثیری رسید، ولی با تکرار: تأثیر قطعی یا محتمل

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۲۱

است، واجب است امرونهی را تکرار کند تا نتیجه‌ی مطلوب حاصل آید.

۳ - اگر فعلاً امرونهی او اثر ندارد ولی باعث می‌شود که شخص خطاکار، در آینده، گناه را مرتکب نشود در اینجا هم امرونهی واجب است.

۴ - اگر امرونهی در شخص مخاطب تأثیر ندارد: ولی در شخص دیگر مؤثر است، یعنی با امرونهی که به کسی می‌شود، شخص دیگری که نمی‌توان او را مخاطب قرارداد، دست از گناه برمی‌دارد، در این صورت هم امرونهی واجب است، یعنی باید به آن شخص که امرونهی در او اثر ندارد امرونهی کرد تا دیگری از گناه دست بردارد.

۲۲ / امر به معروف و نهی از منکر

۵ - و اگر احتمال می‌دهد امر و نهی موجب می‌شود گناه کم شود، یا گناه مهمی به معصیتی غیر مهم تبدیل گردد، باید امر و نهی کرد.

۶ - اگر احتمال دهد امر و نهی او موجب می‌شود که معصیت دیرتر واقع شود، نهی واجب می‌شود.

باری، امروز وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان سنگین است، چه بسا امر و نهی با برگزیدن بعضی از راه و روش‌ها، در زدودن فحشا و منکرات مؤثر باشد و باید مواظب بود که به بهانه‌ی عدم تأثیر، این فریضه‌ی اسلامی ترک نشود، چراکه امر و نهی گاه، اشخاص را به کلی عوض کرده است، «فذكر فان الذکری تنفع المؤمنین».

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۲۳

درباره‌ی شرط سوّم: دانشمندان اسلامی می‌فرمایند: اگر معلوم شود که شخص گناهکار و نافرمان، بدون این‌که او را امر ونهی کنیم خود از خطا دست برمی‌دارد یعنی منکر را ترک می‌کند و معروف را به جا می‌آورد، دیگر امر ونهی او واجب نیست، و نیز اگر او اظهار ندامت و پشیمانی کند امر ونهی او واجب نیست، ولی اگر کسی تصمیم گرفته است که ولو یک بار معصیت کند، یا آن را ولو یک بار، ادامه دهد، باید او را نهی کرد.

درباره‌ی شرط چهارم: علماء گفته‌اند اگر امر ونهی موجب شود که به شخص امر ونهی کننده و یا به مسلمانان دیگر ضرری جانی و یا آبرویی و یا مالی قابل توجّه برسد. در اینجا امر ونهی واجب

۲۴ / امر به معروف و نهی از منکر

نیست، و نیز اگر امر و نهی موجب شود که خود وی یا مسلمانان دیگری در حرج و مشقت قرار گیرند.

اما برخی دیگر از علمای اسلام افزوده‌اند: اگر معروف و منکر از اموری است که شارع مقدس به آن بسیار اهمیت می‌دهد دیگر هیچ ضرری اگرچه جانی و یا هیچ حرجی و مشقتی موجب ترک این فریضه‌ی اسلامی نمی‌شود، به‌عنوان مثال می‌توان به خطر افتادن جان عده‌ای از مسلمانان، یا هتک ناموس آنان یا محو آثار اسلامی که موجب گمراهی مسلمانان گردد، یا محو شعائر اسلامی مثل خانه‌ی کعبه و امثال آن را نام برد.

مثال روشن‌تر را می‌توان از جنبش پویای اسلامی مسلمانان ایران آورد که می‌بینیم باراهنمایی

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۲۵

روحانیت پیشرو شیعه، چون مردم مسلمان ما، استقلال وطن اسلامی و نیز دین خود را در چنگال عوامل بیگانه، در معرض زوال یافتند، همگی به رفع این منکر بزرگ قیام کرده و در این راه جان هم می دهند.

از این نکته هم نباید غافل بود که بسیاری از موارد امر به معروف و نهی از منکر به خاطر توهم ضرر یا حرج ترک می شود، که اگر در پیرامون آن کمی فکر شود معلوم می شود که هیچ گونه ضرری در بین نیست و معمولاً جز توهم ضرر یابی حالی، تبلی یا ترس بی جا، علتی دیگر ندارد، بر همه ی مسلمانان واجب است که مواظب باشند این عوامل در آن ها تأثیری نکند، و ناآگاهانه اشتباه نکنند.

عده‌ی بی به خاطر این که حال بحث و گفتگو ندارند، و برخی چون می‌ترسند رفاقت از دست برود، امرونی‌ها را ترک می‌کنند، و گروهی حتی حاضر نیستند از نشستن در مجلس شراب، قمار و موسیقی خودداری کنند و آنجا را ترک کنند، چون می‌ترسند به صاحب‌خانه بربخورد و بدش بیاید و یا خود، آن روز بی ناهار بمانند و چندساعتی گرسنگی بکشند، در صورتی که هیچ‌یک از این‌گونه ملاحظات، مجوز ترک امرونی‌ها در موارد لازم نمی‌تواند باشد، انسان باید در ایمان خود محکم باشد و این‌گونه چیزهای بی‌اساس نباید او را از انجام فریضه‌های بزرگ بازدارد.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۲۷

امام صادق (علیه السلام) از پدران ارجمند خود نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه واله) فرموده‌اند: خدا مؤمن ضعیفی را که عقل (تفکر صحیح) ندارد، مبعوض می‌دارد و فرمود: او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند.^۱ امیر مؤمنان فرموده‌اند: «کسی که نهی از منکر را به قلب و زبان و دست خود ترک کند، مرده‌ای است میان زندگان».^۲

قبلاً اشاره کردیم که برخی از علمای گذشته شرط پنجمی نیز اضافه کرده و فرموده بوده‌اند: کسی که به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد باید خود معروف را انجام داده و منکر را ترک کرده باشد امّا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۹.

۲. وسائل، ص ۴۰۴، من ترک انکار المنکر بقلبه و لسانه و یده فهو میت بین الاحیاء.

بیشتر علمای اسلام فرموده‌اند: هر کس باید به وظیفه‌ی شرعی خود عمل کند؛ یعنی کارهای واجب را انجام دهد و کارهای حرام را ترک کند: پس اگر حیثاً دچار معصیت شود، نباید امر به معروف و نهی از منکر را رها کند زیرا این خود گناهی دیگر است، و این که در روایات، از کسانی که خود عمل نمی‌کنند و دیگران را وادار به عمل می‌کنند، و یا خود گناه می‌کنند و دیگران را از گناه باز می‌دارند، مذمت‌های بسیار آمده است، برای این است که چرا خود به وظیفه عمل نکرده‌اند، نه برای این که چرا امر و نهی کرده‌اند.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۲۹

روشن است، امر ونهی از کسانی که خود عمل می کنند بیشتر تأثیر دارد و مردم از آنان بهتر می پذیرند.

و کسانی که دیگران را امر ونهی می کنند، ولی خود اهل عمل نیستند، در قیامت به حسرت بزرگی گرفتار می گردند که چرا خود عمل نکردند در حالی که دیگران از سخنان آنها نتیجه گرفتند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

پیش از برشمردن مراحل امر به معروف و نهی از منکر، یادآوری این نکته را لازم می دانیم که اقتضای ایمان به خدا، روز قیامت، و رسالت پیامبران خدا این است که به آنچه اسلام آورده است، معتقد باشیم؛ حرامش را حرام و حلالش را حلال بدانیم و نسبت به کسانی

۳۰ / امر به معروف و نهی از منکر

که واجب را ترک و حرام را به جا می آورند، قلباً متنفر باشیم. این تنفر چون امری قلبی و انزجاری است درونی است، ربطی به مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر ندارد؛ این انزجار قلبی نسبت به کسی که واجب را ترک، یا منکر را به جا می آورد، در هر صورت لازم است، چه بتوانیم اظهار کنیم یا نتوانیم^۱.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «برای مؤمن همین قدر عزت کافی است که وقتی منکری را دید، خدا بداند که او در قلب آن کار را انکار می کند^۲».

۱. کتب فقهی استدلالی.

۲. کافی، ج ۵، ص ۶۰، حسب المؤمن عزا اذاری منکران
یعلم الله عزو جل من قلبه انکاره.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳۱

و نیز در روایتی که از حضرت باقر (علیه السلام) رسیده است به تنفّر و انزجار قلبی امر می فرماید:
«فانكروا بقلوبكم»^۱.

و اینک مراتب امر به معروف و نهی از منکر مطابق آنچه مشهور علمای اسلام بیان فرموده اند:

الف - مرحله ی اوّل: این است که مسلمان باید تنفّر قلبی خود را نسبت به کسی که معروف را ترک می کند و یا منکری را به جا می آورد، اظهار کند تا او بفهمد که کار وی موجب تنفّر است. اظهار تنفّر درجاتی دارد که باید مراعات شود، یعنی تا به درجه ی پایین تر می توان اکتفا کرد، باید درجه ی بالاتر را وانهاد.

۳۲ / امر به معروف و نهی از منکر

اظهار تنفّر قلبی به صورت هایی گوناگون می تواند انجام بگیرد مانند: اخم کردن، روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر کردن و ترک معاشرت کردن.

تا انسان می تواند با آسان ترین راه، امر به معروف و نهی از منکر کند نباید از آن تجاوز نماید بلکه اگر موجب هتک احترام طرف می شود باید حتماً همان راهی که موجب توهین نیست بییماید.

ب - مرتبه‌ی دوّم: این است که با گفتن از طرف بخواهد تا از منکر دست بردارد یا معروف را انجام دهد. تا ممکن است با گفتاری نرم از او بخواهد تا منکر را ترک و یا معروف را به جا آورد. و اگر طرف با لحن آرام حاضر نشد از کار خود دست

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳۳

بردارد، می‌باید او را امر ونهی کرد و اگر بازهم مؤثر نشد باید با شدت بیشتری از او خواست که از منکر دست بردارد، البته نباید با دشنام یا اهانت به خود او یا پدر و مادر و کسان او همراه باشد زیرا که این خود گناه و حرام است، مگر این‌که منکر از چیزهایی باشد که شارع به هیچ وجه حاضر نیست در اجتماع واقع شود، و هر طور شده باید از آن جلوگیری شود، در این صورت مانعی ندارد با نوعی اهانت همراه باشد، ولی تشخیص موارد آن به نظر حاکم شرع است.

اگر در موردی معلوم شد که با انجام مرتبه‌ی اوّل و دوّم بر روی هم می‌توان از منکر جلوگیری

۳۴ / امر به معروف و نهی از منکر

کرد، باید هر دو انجام شود. یعنی هم باید اظهار تنفر کرد و هم به امر و نهی توسّل جست.

ج - اگر مرتبه‌ی اوّل و مرتبه دوّم مؤثر نشد، یا مطمئن است که این دو راه تأثیر ندارد، واجب است راه سوّم را دنبال کند، یعنی از به‌کارگیری قدرت استفاده کند، البته تا زمانی که با آسان‌ترین روش اعمال قدرت بتوان نتیجه گرفت به شدیدتر آن نباید پرداخت مثلاً اگر شخصی اراده کرده است کسی را اذیت کند و به او ضرب و جرحی وارد کند، در مرحله‌ی اوّل باید بین آن دو حایل شد، و اگر این راه نتیجه نداد، انسان موظّف است وسیله‌ی دیگری که در دست او است از وی بگیرد، یا او را به عقب براند، و یا دستش را محکم نگه دارد و چنانچه این کارها

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳۵

مستلزم آن است که داخل خانه‌ی دیگری شود و یا تصرف در اموال او کند، در صورتی جایز است که اهمیت منکر به حدّی باشد که شارع مقدّس ابداً راضی نیست واقع شود مثل این که قرار باشد انسانی کشته شود.

اگر جلوگیری از منکر به حبس طرف و یا سختگیری بر او وابسته است، در اینجا برخی از علماء فرموده‌اند سزاوار است این کار با نظر حاکم شرع باشد.

اگر جلوگیری از منکر، به ضرر زدن به طرف بستگی دارد و شارع به‌هیچ‌وجه به انجام آن منکر رضایت ندارد باید ضرر زد و از منکر جلوگیری به عمل آورد، مثلاً اگر جلوگیری از شراب خوردن

۳۶ / امر به معروف و نهی از منکر

وابسته به این باشد که جام آن شکسته شود، باید شکسته شود و به قول برخی از علمای اسلام ضمان هم ندارد، البته تشخیص موارد آن با حاکم شرع است.

اگر جلوگیری از منکر به مجروح ساختن و یا شکستن عضو طرف بستگی داشت، یعنی تا با او زدوخوردی انجام نگیرد دست از کارش برنمی‌دارد و کتک زدن به او هم موجب مجروح شدن و یا شکستن عضوی از اعضای او می‌گردد و یا کشته می‌شود، در این صورت جلوگیری باید به اذن حاکم شرع باشد، مگر این‌که طرف بخواهد انسانی را ناروا به قتل برساند که باید حتماً او را از این کار بازداشت، اگرچه به جرح و قتل او بیانجامد و در این

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳۷

جا بنا به گفته‌ی بعضی از فقهاء، انسان می‌تواند بدون اجازه‌ی حاکم شرع هم چنین کاری را انجام دهد و ضمان هم ندارد، (مشروط بر این که بعد بتواند ثابت کند و دیگر این که این عمل مفسده‌ای را به دنبال نداشته باشد). بدیهی است که اگر با راه آسان‌تر می‌توان جلوگیری کرد نباید راه سخت‌تر را پیمود، یعنی اگر با جرح مختصر نتیجه گرفته می‌شود، نمی‌توان به قتل و یا جرح سخت‌تر دست زد.

حاکم شرع با ملاحظه‌ی مفسده‌ی که از معصیت به وجود می‌آید می‌تواند نظر خود را درباره‌ی جرح و شکستن عضو و قتل اعلام دارد و دیگران وظیفه‌دارند به حاکم شرع مراجعه کنند.

۳۸ / امر به معروف و نهی از منکر

این نکته را یادآور شویم که: امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات کفایی است، (و مانند سایر واجبات کفایی)، اگر یک نفر نتواند انجام دهد باید دیگران را خبر کند و با همکاری همدیگر از منکر جلوگیری کنند، یعنی همان گونه که دفن میت از واجبات کفایی است اگر به تنهایی ممکن نباشد باید با کمک دیگران میت را به خاک بسپارند، جلوگیری از منکر و امر به معروف نیز اگر به تنهایی ممکن نباشد، وظیفه‌ی مسلمانان است که باهم کمک کنند و به طور گروهی امر و نهی کنند و منکر را رفع و یا دفع نمایند و معروف را به پادارند، «و لتکن منکم امة یدعون

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۳۹

الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر
و اولئك هم المفلحون».^۱

باید از شما دسته یی وجود داشته باشند که
مردم را به خیر دعوت و به معروف امر کنند و از
منکر نهی نمایند و آن ها رستگارانند.

حضرت رضا(علیه السلام) به نقل از پیامبر
گرامی(صلی الله علیه وآله) فرمودند: هرگاه امت من
امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند
یقین پیدا کنند به جنگی از خدا.^۲

امام صادق(علیه السلام): هیچ گروهی نیست که
منکر را در محیط خود برقرار بدارند و تغییر ندهند،

۱. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۸، طبع ایران.

۴۰ / امر به معروف و نهی از منکر

مگر این که خدا عذاب خود را به همه‌ی آنان فراگیر سازد»^۱.

در مجتمع اسلامی همه وظیفه‌دارند در زدودن منکرات بکوشند و جامعه‌ی اسلامی را از آلودگی‌ها پاک سازند و هیچ کس به بهانه‌ی این که از من تنها ساخته نیست نمی‌تواند از این مسؤولیت خطیر، شانه خالی کند، قدرت و نیروی اجتماع بهترین وسیله برای انجام این فریضه‌ی الهی است. اجتماعی که افراد آن زنده و بیدار باشند و در برابر منکرات بایستند، همیشه مصون از آلودگی‌ها و عقب ماندگی‌ها خواهد بود.

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۴۱

اسلامی که در خارج از مرزهای خود به خاطر بسط عدالت و برچیدن بساط ظلم مبارزه می‌کند، و جهان را به سوی خدا و قوانینش بازمی‌خواند، نمی‌تواند در داخل و به هنگام اجرای احکام حیات بخش الهی سستی روا دارد و به قوانین غیر اسلامی معتقد باشد و عمل کند، از این رو اسلام علیه ظلم و ستم و منکرات به پا می‌خیزد و آن‌ها را نفی می‌کند، اعتقاد به معیارها و ارزش‌های اسلامی، مسلمان را ملزم می‌دارد با هر چه معیار بدلی و غیر اسلامی است مبارزه کند و مسلمانان با این اعتقاد و باور داشت نمی‌توانند در برابر بدعت‌هایی که علیه احکام خدا به عنوان دین وضع می‌شود ساکت بنشینند، این مبارزه را نه تنها فرمان خدا ثابت می‌کند،

۴۲ / امر به معروف و نهی از منکر

بلکه فطرت انسان نیز چنین جریان یافته است، و چنین است که امروزه، روز لیب پرفروغ به پا خاستگی جامعه مسلمان و با حمیت خود را می بینیم که در احیای ارزش های دینی جان می بازند.

حضرت علی (علیه السلام) درباره ی وظیفه ی مسلمانان راجع به منکرات و نیز مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر چنین اشاره می فرماید:

ای گروندگان، همانا هر کس تجاوزی را ببیند که بدان عمل و یا منکری را که بدان دعوت می شود و آن را در دل خود زشت شمارد به تحقیق سالم می ماند و از کیفر آن رسته است، و هر کس با زبان خود آن را انکار کند مأجور و از دسته ی اوّل بهتر است و هر کس آن را با حربه انکار کند تا کلمه ی

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۴۳

خدا برتر و کلمه‌ی ستمگران پست تر شود، پس او کسی است که به راه هدایت رسیده و بر طریق مستقیم قیام کرده و در دلش نور یقین تابیده است.^۱

هدف از امر به معروف و نهی از منکر

یادآوری این نکته لازم است که معیارهای اصیل اسلامی را باید از قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و فتوای فقهای شیعه که مبتنی بر این دو مأخذ می‌باشد، گرفت، نه از سنت‌های تحمیلی مردم و ساخته‌های ذهنی مسلمانان، قرآن و احادیث برای شناسائی خوبی‌ها و بدی‌هاست و زندگی مسلمانان، باید با آن‌ها تطبیق داده شود، متأسفانه از مسلمانان جز گروهی اندک امر به معروف

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۲۵۲.

۴۴ / امر به معروف و نهی از منکر

و نهی از منکر نمی‌کنند و این گروه نیز بیشتر، امر به معروف و نهی از منکر را با رأی خود تطبیق می‌دهند، مثلاً در کارهای خصوصی اشخاص با عنوان امر به معروف و نهی از منکر دخالت می‌کنند، در گناهان مخفی که اسلام اجازه‌ی افشا نداده است، پرده‌داری می‌کنند، مستحبی را واجب و مکروهی را حرام می‌کنند، در آن چه خدا سرزنش و یا تحسین نکرده سرزنش و تحسین روا می‌دارند.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر آن است که مردم ارزش‌های اسلامی را بازشناخته و تحولات جهان را با ضوابط دین ارزیابی کنند و بکوشند زندگی جامعه را بر آن معیار تطبیق دهند و شخصیت افراد را بر اساس اسلام بشناسند نه آن که سلیقه‌های

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۴۵

شخصی را به عنوان دین جا بزنند و مردم را به سوی آن فراخوانند و عقده‌ها را به صورت امر و نهی دینی خالی کنند و غرض ورزی‌ها را به صورت تکلیفی مذهبی بیان نمایند.

اسلام با این وظیفه‌ی خطیر می‌خواهد منحرفین، به سوی دین برگرداند و زندگی خویش را با احکام اسلام تطبیق دهند و نظام عادلانه‌ای در متن جامعه پیاده شود.

در مواضع حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) چنین آمده است:

...آتش در خانه‌ی درمی‌گیرد و از این خانه به آن خانه سرایت می‌کند تا این که خانه‌های بسیاری را

۴۶ / امر به معروف و نهی از منکر

می‌سوزاند، اگر خانه‌ی اوّل را دریابند و آن را در هم بکوبند دیگر آتش نمی‌تواند کاری بکند.

اگر اوّلین ستمگر مکافات شود بعد از او رهبر ستمگری پیدا نخواهد شد که مردم از او پیروی کنند... و هر که بتواند شخص ستمگر را سرزنش کند و نکند و نکند چنان است که خود ظلم کرده باشد...^۱.

امام حسین (علیه السلام) ضمن حدیثی، هدف از امر به معروف و نهی از منکر را چنین معرفی می‌فرماید:

خدا می‌داند اگر این فریضه انجام یابد و پابرجا شود، سایر فریضه‌ها، چه آسان و چه دشوار پا

دوره هفتم، شماره هفدهم / ۴۷

می‌گیرد، زیرا امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است و مظلّمه‌ها را (به صاحبانشان) برمی‌گرداند؛^۱ و در پایان از کلام خاتم رُسل، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) تبرّک بجویم که فرمود: «زمانی که معصیت پنهانی انجام شد، جز به معصیت کار ضرر نمی‌رساند، ولی زمانی که آشکارا به جا آورده شود و مردم (جلوی آن را نگیرند) به اجتماع ضرر می‌رساند»^۲.

پایان

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷.